



طرح آمریکا و اسرائیل برای غزه؛ جنگی بی پایان



ترجمه مجله جنوب جهانی

اسرائیلی امیدوارند که تمدید مرحله اول به آن‌ها فرصت دهد تا شمار بیشتری از اسیران خود را بازگردانند و مرحله دوم را غیرضروری کنند، تا زمانی که نیروهایشان را از غزه خارج کرده باشند

دآزادی اسیرانی که برای مرحله اول توافق شده بود، به پایان رسیده است. دقیقاً به همین دلیل، اسرائیل در مذاکرات برای مرحله دوم کارشکنی می‌کند و همچنان از ورود به این مرحله سر باز می‌زند. مقامات



همزمان با پایان یافتن مرحله نخست آتش‌بس در غزه، آشکار است که کاخ سفید تحت رهبری ترامپ هیچ سیاست مشخصی برای این منطقه ندارد. اسرائیل این خلأ را با جنگی دائمی پر می‌کند.

روز چهارشنبه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ویدیویی وحشتناک تولیدشده با هوش مصنوعی منتشر کرد که «دیدگاه» او درباره غزه را نشان می‌داد؛ ویدیویی پر از کلیشه‌های ضدعربی، دعوتی بی‌شرمانه به برتری‌طلبی سفیدپوستان و الیگارش‌های فاشیستی، و تصویری از ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در لباس شنا، که فراموش نخواهم کرد...

روز بعد، نتانیاهو با گستاخی همیشگی خود اعلام کرد که برخلاف توافق حاکم بر آتش‌بس در غزه، اسرائیل از خروج نیروهای خود از کریدور فیلادلفیا، نوار باریکی در امتداد مرز جنوبی غزه با مصر، امتناع می‌کند.

این دو اقدام، در مجموع، نشان‌دهنده رویکرد ایالات متحده و اسرائیل نسبت به غزه است.

هیچ‌یک از این دو قدرت، واقعیت‌های موجود در صحنه را جدی نمی‌گیرند.

ترامپ خود را با رؤیای «ریویرا مدیترانه‌ای» فریب می‌دهد، که هرگز به واقعیت نخواهد پیوست، در حالی که همزمان، آنچه هر روز در غزه و کرانه باختری رخ می‌دهد را کاملاً نادیده می‌گیرد.

ترامپ از زمان اجرای آتش‌بس در ۱۹ ژانویه، به‌طور ضمنی از اقدامات اسرائیل حمایت کرده است. در این مدت، بیش از ۹۰ فلسطینی در اثر حملات اسرائیل در غزه کشته شده‌اند.

اسرائیل همچنین آتش‌بس را نقض کرده است: ممانعت از ورود ماشین‌آلات سنگین برای پاک‌سازی ویرانه‌ها جلوگیری از ورود کانکس‌ها و چادرها برای اسکان موقت مردم غزه، به‌ویژه در



شمال این منطقه که تقریباً به طور کامل ویران شده است تأخیر در آزادی صدها زندانی فلسطینی و اکنون، امتناع از ترک کریدور فیلادلفیا همه این‌ها بدون هیچ واکنشی از سوی واشنگتن رخ داده است. ترامپ در کوتاه‌مدت آنچه را که بیش از هر چیز می‌خواست، یعنی یک آتش‌بس و آزادی شمار بیشتری از اسیران، به دست آورده است. احتمال زیادی وجود دارد که تمام اسیران اسرائیلی باقی‌مانده به خانه بازگردند، و این همان پیروزی است که او به دنبال آن بوده است.

آیا مرحله دوم در کار خواهد بود؟

دولت نتانیاهو به صراحت اعلام کرده است که قصد دارد پس از بازگشت اسیران اسرائیلی، قتل‌عام‌ها در غزه را از سر بگیرد. این موضوع برای ترامپ اهمیتی ندارد، زیرا او «پیروزی» موردنظرش را، یعنی توافقی که سلف او

بیش از یک سال نتوانست به آن دست یابد، به دست آورده است.

فراتر از آن، ایده تبدیل غزه به یک تفریحگاه لوکس برای ثروتمندان، یک طرح بلندمدت است، طرحی که در چند ماه یا حتی چند سال قابل تحقق نیست. این صرفاً یک توهم است.

باین‌حال، استیو ویتکوف، فرستاده ترامپ، به وضوح اعلام کرده است که امیدوار است به مرحله دوم آتش‌بس برسد. این مرحله قرار است با خروج کامل اسرائیل از غزه و بازگشت تمامی اسیران اسرائیلی باقی‌مانده، در ازای آزادی تعدادی از زندانیان فلسطینی – البته نه همه – که اسرائیل نیز آن‌ها را به طور غیرقانونی در بند نگه داشته است، پایان یابد.

از آنجاکه مذاکرات درباره مرحله دوم هنوز آغاز نشده بود، ویتکوف برای تمدید مرحله اول فشار آورد. در هر دو حالت، هدف، تمدید آتش‌بس تا زمانی



است که بتوان تمامی اسیران اسرائیلی را آزاد کرد.

اما هنوز هیچ طرحی برای مردم غزه وجود ندارد، و نه ایالات متحده و نه اسرائیل کوچکترین توجهی به این موضوع نشان نمی‌دهند.

به همین دلیل، نتانیاهو اعلام کرده است که اسرائیل از کریدور فیلادلفیا خارج نخواهد شد. به همین دلیل است که او روز پنجشنبه تیم مذاکره‌کننده خود را به مصر فرستاد. او، مانند ویتکوف، امیدوار است که مرحله اول را فراتر از دوره شش‌هفته‌ای پیش‌بینی‌شده در توافق، تمدید کند.

این دوره قرار بود روز شنبه به پایان برسد. اما نتانیاهو، همان‌طور که بارها نشان داده است، تلاش می‌کند تا بیشترین زمان ممکن را برای خود بخرد.

اسرائیل عمداً از ورود به مرحله دوم خودداری می‌کند

آزادی اسیرانی که برای مرحله اول توافق شده بود، به پایان رسیده است. دقیقاً به همین دلیل، اسرائیل در مذاکرات برای مرحله دوم کارشکنی می‌کند و همچنان از ورود به این مرحله سر باز می‌زند. مقامات اسرائیلی امیدوارند که تمديد مرحله اول به آن‌ها فرصت دهد تا شمار بیشتری از اسیران خود را بازگردانند و مرحله دوم را غیرضروری کنند، تا زمانی که نیروهایشان را از غزه خارج کرده باشند.

از آنجاکه آمریکا آشکارا از این استراتژی حمایت می‌کند، احتمال موفقیت آن زیاد است.

این رویکرد کاملاً به نفع نتانیاهو است. او می‌داند که راه‌حلی فوری برای غزه وجود ندارد. صرف‌نظر از آنچه ترامپ می‌گوید، مردم غزه جایی برای رفتن ندارند، و اکثریت آن‌ها تنها در صورت تهدید با اسلحه، حاضر به ترک این منطقه خواهند شد - اگر بتوانند.



بنابراین، او به تاکتیک وقت‌کشی متوسل شده است. جنجال ساختگی او که باعث تأخیر در آزادی زندانیان فلسطینی شد، چیزی جز یک تاکتیک تأخیری دیگر نبود.

در حالی که بسیاری از اسرائیلی‌ها از نمایش حماس در تحویل اجساد غیرنظامیان اسرائیلی، از جمله کودکان خردسال خانواده بیباس، خشمگین بودند، نتانیاهو از این فرصت سوءاستفاده کرد، همان‌طور که فقط یک سیاستمدار به‌طور بی‌رحمانه‌ای خودمحور مانند او می‌تواند انجام دهد.

این مسئله چنان آشکار بود که حتی خانواده بیباس مجبور شدند عزاداری خود را متوقف کنند تا از نتانیاهو بخواهند که از بهره‌برداری عمومی از یاد عزیزانشان دست بردارد.

همه این اقدامات در خدمت هدف نتانیاهو برای طولانی‌تر کردن فضای تنش، خشم، درد و رنج است، تا به این

وسیله، منافع سیاسی شخصی خود را تأمین کند.

بی‌راه‌حلی، یک هدف برای نتانیاهو

نبود هرگونه راه‌حل در چشم‌انداز - چراکه به رسمیت شناختن حقوق اساسی فلسطینی‌ها برای نتانیاهو، ترامپ و تقریباً تمامی سیاستمداران در آمریکا، اسرائیل، اروپا و حتی بسیاری از کشورهای عربی، کاملاً غیرقابل تصور است - برای نتانیاهو یک امتیاز محسوب می‌شود.

این موضوع فراتر از منافع شخصی او در فرار از محاکمه به اتهام فساد یا فرار از پاسخگویی درباره شکست‌های فاجعه‌بار ۷ اکتبر است، که کم‌کم برای مردم اسرائیل آشکار می‌شود.

در واقع، این نشان‌دهنده شکست کامل نتانیاهو در دستیابی به یکی از اهداف اعلام‌شده جنگ است.



اهدافی که او بارها تکرار کرده بود، شامل آزادی اسیران، نابودی حماس و «اطمینان از این که غزه دیگر هرگز تهدیدی برای اسرائیل نخواهد بود»، بودند.

اما نتانیاهو تنها توانسته است تعداد اندکی از اسیران را آزاد کند. در واقع، تقریباً تمامی زندانیان اسرائیلی، به استثنای تعداد معدودی، در چارچوب آتش‌بس‌هایی که توسط مصر، قطر و آمریکا میانجی‌گری شده‌اند، آزاد شده‌اند.

اصرار او بر آزادی آن‌ها از طریق عملیات نظامی اسرائیل، کاملاً شکست خورده است.

بدون شک، حماس با شکست‌های مهمی مواجه شده است. اما پس از نزدیک به ۱۷ ماه حملات اسرائیلی، تخمین زده می‌شود که این گروه تقریباً به همان تعداد جنگنده‌هایی که در آغاز تهاجم اسرائیل داشت، هنوز در اختیار دارد.

حماس همچنان قادر است حملاتی را علیه نیروهای اسرائیلی در غزه انجام دهد. و آنها به همراه غزه به مقاومت در برابر اسرائیل ادامه خواهند داد. اگرچه آنها برای مدتی قادر نخواهند بود اسرائیل را با یک حمله گسترده دیگر تهدید کنند، و اسرائیل نیز احتمالاً مانند قبل از حمله ۷ اکتبر، از آمادگی خود کم نخواهد کرد، اما تا جایی که غزه قبلاً یک «تهدید» محسوب می‌شد، در آینده‌ای نه چندان دور دوباره به همان وضعیت بازخواهد گشت.

اگر استفاده نفرت‌انگیز نتانیاهو از کودکان کشته‌شده اسرائیلی برای منافع شخصی‌اش باعث شرمساری، تحقیر و خشم واقعی شد، این موضوع هیچ ارتباطی با نمایش‌های حماس نداشت.

نه، شرم‌آورتر این واقعیت بود که با وجود تمام کشتارهایی که اسرائیل مرتکب شده، با وجود تمام ویرانی‌هایی که در غزه به بار آورده، و با وجود تمام شکنجه‌هایی که بر افراد بی‌گناه تحمیل



کرده، حماس همچنان پابرجاست و به عنوان نیروی اصلی سیاسی و نظامی فلسطینی در غزه باقی مانده است، دقیقاً همان طور که بوده است.

به سادگی غیرممکن است که نتانیاها در چنین شرایطی از حملات به غزه دست بردارد.

اما این موضوع لزوماً او را آزار نمی‌دهد. او آن قدرها هم کوتاه‌بین یا کم‌هوش نیست که برخی ممکن است فکر کنند. دعوت او از اسرائیل بر اساس تهدیدات خارجی است.

حملات به غزه و تشدید جنگ علیه غیرنظامیان در کرانه باختری، جو تهدیدآمیزی را برای اسرائیلی‌ها حفظ می‌کند، حتی اگر حملات کمی از سوی گروه‌های سازمان‌یافته فلسطینی در کرانه باختری صورت گرفته باشد.

بازگشت به اشغال دائمی جنوب لبنان و تهاجم و گسترش اشغال سوریه نیز

به همین هدف کمک می‌کند: جنگ دائمی.

گزینه‌های ممکن کدامند؟

حماس به نقض مکرر آتش‌بس توسط اسرائیل اعتراض کرده است، اما به تعهد خود به این توافق پایبند مانده است. آنها واقعاً گزینه دیگری ندارند.

حماس موافقت کرده است که از حکومت بر غزه دست بکشد، اما حاضر نیست تسلیم سلاح‌ها شود، به طور کامل از فرآیند سیاسی کنار بکشد، یا بدیهی است که غزه را به طور کامل ترک کند.

این دقیقاً دلیلی است که ایده اجبار آنها به ترک غزه مطرح شده است: به محض اینکه حماس در یک نقطه کوتاه می‌آید، اسرائیل و آمریکا قواعد بازی را تغییر می‌دهند. این همان روشی است که آنها در طول ۷۷ سال گذشته با فلسطینی‌ها رفتار کرده‌اند.



رهبران حماس احمق نیستند. آنها می‌دانند که اسرائیل در انتظار شروع دوباره کشتار گسترده در غزه است. آنها سعی می‌کنند آتش‌بس را تا حد امکان در بدترین شرایط ممکن طولانی کنند، در حالی که به طور ناامیدانه‌ای تلاش می‌کنند زمان بخرند با این امید که فشار بر کشورهای عربی برای انجام اقدامات عملی جهت توقف حملات گسترده افزایش یابد.

این امید کوچکی برای فلسطینی‌هاست، اما تنها چیزی است که دارند. به نظر می‌رسد که اجلاس بعدی اعراب در قاهره کمتر احتمال دارد که یک پیشنهاد متقابل عملی ارائه دهد.

مصر این روند را رهبری می‌کند و طرح آنها به قاهره نقش مدیریت جامعی می‌دهد، از جمله رهبری بازسازی غزه، در حالی که یک کمیسیون تکنوکرات و غیروابسته از فلسطینی‌های غزه در طول بازسازی و احتمالاً تا زمانی که یک

دولت مورد توافق و انتخاب شود، این منطقه را اداره خواهند کرد.

این طرح از قبل در میان سازمان‌های فلسطینی محبوبیت ندارد، زیرا آنها از هر نقش سیاسی یا امنیتی رسمی در غزه محروم خواهند شد.

سازمان خودگردان فلسطین پیشنهاد متقابل خود را دارد، اما بسیاری به دلیل سابقه سوءمدیریت این سازمان و استفاده از قدرت آن برای مسدود کردن سازمان‌های رقیب، نسبت به آن شک دارند.

اسرائیل نیز به وضوح اعلام کرده است که هیچ نقشی برای سازمان خودگردان فلسطین در غزه نخواهد پذیرفت.

همچنین مشخص نیست که آیا آنها پیشنهاد عربی را که شامل اخراج تعداد زیادی از فلسطینی‌ها از این منطقه نباشد، خواهند پذیرفت، به ویژه پیشنهادی که ممکن است به نوعی خودمختاری، چه رسد به استقلال، منجر شود.



از سوی دیگر، بعید است که مصر درگیر فرآیندی بدون خروجی شود، زیرا نمی‌خواهد دوباره مسئولیت غزه را مانند سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۷ بر عهده بگیرد.

همه این‌ها باعث می‌شود که بعید به نظر برسد یک طرح عملی در قاهره به اجرا درآید، مگر اینکه عربستان سعودی و دیگر کشورهای ثروتمند عربی حاضر به فشار آوردن به دونالد ترامپ باشند. دسترسی به منابع مالی آنها برای ترامپ از هر چیز دیگری مهم‌تر است، و بعید است که اجازه دهد نتانیاهو یا حتی تندروهای درون تیمش مانع این کار شوند.

نتانیاهو یک جنگ دائمی را پیش‌بینی می‌کند. او آینده‌ای را هدف قرار داده است که در آن اسرائیل توانایی‌های تهاجمی دشمنان خود را کاهش داده است، اما این کار را با روش‌هایی انجام داده که قطعاً منجر به گسترش

گسترده گروه‌های چریکی در غزه، کرانه باختری، لبنان و سوریه خواهد شد.

هیچ یک از این گروه‌ها قدرت آسیب جدی به اسرائیل را نخواهند داشت، اما می‌توانند به اسرائیلی‌ها صدمه بزنند، و بدین ترتیب وضعیت ناامنی را حفظ کنند که به طور کلی به نظامی‌گری اسرائیل و به طور خاص به فاشیسم اسرائیلی دامن می‌زند.

کاخ سفید ترامپ هیچ سیاست قابل توجهی برای غزه یا فلسطین ندارد، و اسرائیل این خلأ را با یک جنگ دائمی پر می‌کند.

به دلایل منافع اقتصادی خود و اگر بخواهند از آینده‌ای آشفته جلوگیری کنند، کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی باید هم یک طرح عملی برای آینده غزه توسعه دهند - طرحی که توسط بخش بزرگی از مردم فلسطین حمایت و تأیید شود و با مشارکت کامل آنها توسعه یابد - و هم



برنامه‌ای برای متقاعد کردن ترامپ به حمایت از آن داشته باشند.

به نظر می‌رسد که این امر بعید است، قطعاً. اما ممکن است تنها راه عملی باشد که امیدی به مردم فلسطین ارائه دهد.